



A Fiqhi Validation of the Legal Foundations of the Time Value of Money

Seyyed Sadegh Tabatabaei Nejad* and Mohammad Taghi Tolami**

Received: 07 May 2024 | Recieved in revised form: 23 July 2024 | Accepted: 28 September 2024 | Published: 30 December 2024

Abstract

Based on the theory of the time value of money, currency possesses a value that changes over time, and at any given moment, its value is affected by a discount rate in subsequent payments or receipts. This theory delineates the distinction between the present and future value of money and enjoys such widespread acceptance in economics and financial management that most proponents do not elaborate on their justifications for this theory in detail. Additionally, in economic and financial literature, these justifications are seldom presented in a standalone discussion. However, seven rationales can be posited to substantiate this theory. This article adopts a descriptive-analytical approach, utilizing library research to explore the seven potential justifications for the acceptance of the time value of money from an Islamic-jurisprudential perspective. The reasons and justifications for accepting this theory are fundamentally sound from this standpoint.



Keywords: Time Value, Money, Interest, Opportunity-Cost, Temporal Preference.

* Assistant Professor, Faculty of Economics, Kharazmi Univeristy, Tehran, Iran; (Corresponding Author) Email: s.s.tabaei@gmail.com

** PhD Student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. Email: ttolami@gmail.com

▣ Tabatabaei Nejad, S., & Tolami, M., (2024)., A Fiqhi Validation of the Legal Foundations of the Time Value of Money. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 2 (2)., 133-160. <https://doi.org/10.22091/RCJL.2023.9267.1022>



اعتبارسنجی فقهی ادله مثبتة ارزش زمانی پول

سیدصادق طباطبائی نژاد* و محمدتقی تولمی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

بر مبنای نظریه ارزش زمانی پول، پول دارای ارزشی است که با مرور زمان دچار تغییر می‌شود و در هر مقطع زمانی دارای ارزشی است که با نرخ تنزیلی در پرداخت‌ها و یا دریافت‌های بعدی تغییر می‌نماید. این نظریه بیانگر تفاوت ارزش فعلی و آتی پول بوده و در اقتصاد و مدیریت مالی به‌عنوان اصل موضوعه از چنان مقبولیت عامی برخوردار است که اکثر قائلان به آن، ادله خود برای اثبات این نظریه را به‌صورت تفصیلی بیان نکرده‌اند و در مکتوبات اقتصادی و مالی نیز این ادله در قالب بحثی مستقل بیان نشده است؛ اما می‌توان توجیحات هفت‌گانه را برای اثبات آن مطرح نمود. این مقاله با رویکرد تحلیلی – توصیفی به روش کتابخانه‌ای علل چرایی هفت‌گانه که برای پذیرش نظریه ارزش زمانی پول ممکن است مورد تمسک قرار می‌گیرد را از منظر فقهی و اکاوی می‌نماید. دلایل و توجیحات پذیرش این نظریه فی‌الجمله از منظر فقهی بلااشکال است.



کلیدواژه: ارزش زمانی، پول، بهره، هزینه فرصت، ترجیح زمانی.

* استادیار، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول) | s.s.tabaei@gmail.com

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. | ttolami@gmail.com

▣ طباطبائی نژاد، سیدصادق و تولمی، محمدتقی. (۱۴۰۳). اعتبارسنجی فقهی ادله مثبتة ارزش زمانی پول، پژوهش‌های

فقهی مسائل مستحدثه، ۲ (۲)، ۱۶۰-۱۳۳. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2023.9267.1022>

(۱) مقدمه

از منظر علم اقتصاد و مدیریت مالی، پول دارای ارزش زمانی^۱ است. در این نظریه با پذیرش نرخ ترجیح مثبت زمانی و با تأکید بر بُعد زمانی پول، ادعا می‌شود که ارزش مقدار یکسان پول در دو زمان ثابت نبوده و با گذشت زمان از ارزش پول کاسته می‌گردد. بنیان بازارهای مالی و بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای و پروژه‌های اقتصادی مبتنی بر «ارزش زمانی پول»^۲ شکل گرفته‌اند. لازم به ذکر است بر اساس این نظریه، زیادی ارزش پول حال نسبت به ارزش پول آینده، مشروط به وجود تورم نمی‌باشد و از این رو هر چند با وجود تورم، صدق نظریه به دلیل کاهش قدرت خرید پول در طول دوره تورم روشن است؛ ولی موافقان نظریه ارزش زمانی پول، نظریه را مطلق بیان نموده و وجود تورم در اقتصاد را شرط صدق آن ندانسته‌اند.

برای درک بهتر این مفهوم لازم است دو عنصر ارزش و پول تعریف شوند. ارزش بر چیزی اطلاق می‌شود که مورد توجه و درخواست بوده و می‌تواند تلاش افراد را برای به دست آوردنش برانگیزاند. (توانایان فرد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲۵) به بیانی دیگر آنچه بر اساس گرایش‌های احساسی مورد رغبت و تمایل باشد و بر اساس کنش‌های رفتاری مورد تقاضا و طلب قرار گیرد در نزد انسان دارای ارزش است و از این رو می‌توان مفهوم عام ارزش را در استعمالات گوناگون با مفهوم مرغوبیت و مطلوبیت یکسان تلقی نمود.^۳ در اقتصاد، ارزش یک کالا یا خدمت را با ارزش واحد پول مقایسه نموده و بر اساس همین مقایسه، مقدار پولی که باید در ازای کالا یا خدمت پرداخت شود را تعیین می‌نمایند (علی‌نقی لنگری، ۱۳۹۴، ص ۷۹) که این همان ارزش مبادله‌ای می‌باشد.

ارزش در نظریات رایج، به‌عنوان پدیده‌ای لحظه‌ای و برآیندی نقطه‌ای به دلیل تحقق

^۱ Time value

^۲ Time value of money

^۳ مطلوبیت و مرغوبیت اشیا که در اینجا به‌عنوان مفهوم متعارف عرفی از ارزش معرفی شده است، بیشتر ناظر به مباحث ارزش‌شناسی اقتصادی و فقهی در حوزه شناخت واقعیات و پدیده‌های موجود اجتماعی و انسانی است که موجب ظهور یا ایجاد مفهوم ارزش در نزد انسان‌ها می‌گردد و لذا از پرداختن به مباحث معرفت‌شناسی منطقی و عقلی و هستی‌شناسی فلسفی و هم چنین رویکرد دستوری به مقوله ارزش پرهیز نمودیم. هرچند در مباحث آتی به فراخور مباحث در حدّ نیاز به آنها اشاره خواهیم نمود که مبتنی بر برخی از آنها مطلوبیت و رغبت علت ارزش و مبتنی بر برخی دیگر معلول ارزش‌شوند.

عواملی خاص تعریف می‌شود و حال آنکه به نظر می‌رسد، ارزش در ضمن فرایندی خطی و جریان‌مند شکل می‌گیرد و در بستر زمان با طی مراحل مختلف و تحت تأثیر عوامل و عناصر گوناگون، مرتبه‌ای از مراتبش به فعلیت می‌رسد. (تولمی و راغبی، ۱۴۰۲)

ارزش اشیا با تحقق یکی از عوامل ارزش‌زا نظیر منفعت، مطلوبیت، غرض، اعتبار و عرضه و تقاضا مرتبط دانسته می‌شود و با وجود هر یک از آن عناصر، ارزش و مالیت نیز در شیء به وجود می‌آید و حال آنکه ارزش مبادلی پول که ابزار مبادله عام است به دلیل نیاز انسان‌ها به تبادل اشیا مختلف با یکدیگر و در ضمن مبادله معنا پیدا می‌کند؛ لذا باید در تعیین منشأ مالیت و ارزش اشیا از مجموع عناصری نظیر: ماهیت اشیا و خصوصیات و آثار طبیعی و تکوینی آنها، فراوانی و کمیابی آنها، ادراکات و احساسات انسان‌ها نسبت به اشیا، نوع و درجه نیاز انسان به اشیا، اغراض انسان‌ها از اشیا و یا مبادله آنها، میزان کار و هزینه تولید اشیا و سایر عوامل دیگر غفلت نکرد.

محققان، پول را از دیدگاه قانونی یا بر اساس مصادیق آن و یا با توجه به وظایف و کارکردهای آن تعریف می‌نمایند. ماهیت پول از زمان پیدایش تا به امروز به عنوان وسیله مبادله و واسطه خرید و فروش حفظ شده لیکن شکل و جنس و ترکیب آن در طی قرون گذشته همگام با اختراعات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی دچار تغییرات و تحولات شگرفی شده و بدیهی است در آینده نیز این تغییرات و تحولات تداوم خواهد داشت. از منظر اقتصاد خرد پول ابزاری برای محاسبه، مبادله، ذخیره ارزش و وسیله پرداخت‌های آتی است. (زمانی فراهانی، ۱۳۹۱) از این رو بسیاری پول را آن چیزی می‌دانند که کارکردهای و وظایف پول را به خوبی اجرا نماید.

پول کنونی قراردادی اجتماعی است که ماهیتی جعلی و اعتباری دارد و منشأ آن نیاز انسان به داشتن وسیله‌ای برای مبادله و سنجش اموال است و ارزش پول با نظر به حیثیت مبادله‌ای آن است و نه ارزش ذاتی و این ارزش هم ناشی از این است که طبق عرف عقلاً می‌توان آن را با کالاهای مختلف به آسانی مبادله نمود. همچنین پول در عصر حاضر رسیدارایی نیز نمی‌باشد و هیچ دولت و بانکی خود را موظف نمی‌داند که در صورت مراجعه افراد، معادل

پولشان دارایی حقیقی مانند طلا و نقره بدهد. قوام ارزش این پول دو چیز است یکی قدرت و حاکمیت ناشر و دیگری مقبولیت و پذیرش عامه برای ابراء ذمه. لازم به ذکر است پول، کالا نیست؛ چراکه کالا، مال حقیقی است که ارزش استعمالی و مصرفی دارد و حال آنکه پول مالی ذهنی است که در ظرف اجتماع برای تسهیل تبادلات اعتبار شده است و با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی و پیچیدگی نیازهای مالی جامعه در بستر تاریخ به اشکال مختلف نمود می‌یابد. (ر.ک. عیسوی، ۱۴۰۲) از این رو به نظر می‌رسد پول، پدیده اجتماعی و ابزار مبادله عام است که ضمن دارا بودن قدرت نقدشوندگی بالا به منظور رفع تعهدات (اعم از مالی و غیرمالی) و ابراء ذمه دارای مقبولیت همگانی می‌باشد.

ارزش زمانی پول بیانگر این نکته است که ارزش کمیت مشخصی از پول در زمان‌های مختلف یکسان نبوده و مقدار پولی که در زمان حال به دست می‌آید دارای ارزشی به مراتب بیشتر از همان میزان پول است که در آینده به دست شخص خواهد رسید و این ارزش در اقتصاد متعارف جایگاه ویژه و کاربردهای مهمی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: تنزیل جریانات نقدی، ارزشیابی اوراق بهادار، ارزیابی و قیمت‌گذاری پروژه‌های اقتصادی، تعیین مقدار بهینه تخصیص منابع برای طرح‌های اقتصادی، تعیین نرخ بهره وام (ربا)، تعیین نرخ تنزیل دیون.

فتانت (۱۳۷۶) پس از موضوع‌شناسی فقهی، صدق ارزش زمانی پول را در شرایط تورمی، قطعی و عقلی می‌داند. فرزین‌وش و ندری (۱۳۸۱) علت تفاوت قیمت نقد و نسیه را چیزی غیر از ارزش زمانی پول می‌دانند. تولمی و همکاران (۱۴۰۲) معتقدند مفاد نظریه ارزش زمانی پول از منظر فقهی و حقوقی معتبر است؛ اما بررسی گستره کارکرد این نظریه، بیانگر آن است که با توجه به تقسیم عقود اقتصادی به انتفاعی و غیرانتفاعی، ارزش زمانی پول صرفاً در ضمن عقود استثماری و انتفاعی نظیر بیع، مجوز کسب درآمد می‌باشد و در عقود غیرانتفاعی نظیر قرض که اساساً بر پایه احسان بنا شده‌اند، نمی‌توان با استناد به این نظریه کسب سود نمود.

۲) ادله مثبت ارزش زمانی پول

ادله توجیهی برای اثبات این نظریه در ادبیات اقتصادی را می‌توان در ذیل هفت عنوان عدم

اطمینان و ریسک، ترجیح مصرف حال بر مصرف در آینده، تورم، هزینه فرصت، ترجیح زمانی در ارزش گذاری، اجرت زمان (ارزش پولی زمان) و نرخ بهره خلاصه نمود و در ذیل پس از تبیینی کوتاه اعتبار فقهی این ادله از منظر فقهی بررسی می گردد.

۳) اعتبارسنجی فقهی ریسک برای اثبات ارزش زمانی پول

یکی از دلایل بیان شده در توجیه ارزش زمانی پول، ریسک و مخاطره است. مبتنی بر این دلیل، باتوجه به اینکه زندگی در فضای عدم اطمینان و ریسکی سپری می گردد و زمان حال نسبت به آینده ای مبهم و پر خطر ارزشمندتر است؛ لذا افراد ترجیح می دهند که به جای آینده، پول و کالا را در حال حاضر دریافت دارند و رسیدن به آن را به تأخیر نیندازند.

به عبارتی دیگر می توان گفت واحدهای پولی از نظر ریسک با یکدیگر تفاوت دارند. آن دسته از واحدهای پولی که احتمال به دست آمدن آنها بیشتر است با ارزش تر به شمار می آیند و در مقابل درآمد یا واحدهای پولی که احتمال تحصیل آنها کمتر است، ارزش کمتری نیز دارند. توضیح اینکه مقدار پولی که در آینده قرار است برای شخص حاصل شده و به دست وی برسد، در معرض خطرات و آفات متعددی است که ممکن است اساساً دستیابی انسان به آن را با مانع مواجه سازد. برنامه ریزی برای نحوه استفاده از دارایی هایی که از یک سو بالفعل در اختیار شخص نمی باشند و از سوی دیگر دستیابی به آنها نیز با ریسک عدم حصول همراه است، برنامه ای آمیخته با ریسک و خطر است که هر لحظه ممکن است به دلیل عدم حصول آن دارایی، عملیاتی شدن آن برنامه نیز منتفی شود. در واقع پول آتی نه تنها در زمان حال تحت تصرف شخص نیست و قابلیت بهره بری از آن وجود ندارد؛ بلکه حصول آن در آینده نیز محتمل بوده و قطعی نیست و به دست آمدنش با ریسک همراه است، در حالی که پول حاضر و نقد که در اختیار شخص است، دارایی موجود و حاصل شده است که تحت تصرف مالک آن است و وی می تواند در هر لحظه که تمایل داشته باشد برای آن برنامه ریزی کرده و در آن تصرف کند. این حقیقت نشانگر آن است که اموال حاضر که بالفعل در اختیار شخص است نسبت به اموال آتی که فعلاً در اختیار او نیست، مزیت و برتری دارند؛ بنابراین پول حاضر نیز به دلیل عدم ریسک یا ریسک کمتر نسبت به پول آتی، دارای ارزشی بیشتر است و همین امر دلیلی بر صدق نظریه ارزش زمانی پول است.

ریسک دربردارنده نوعی نااطمینانی بوده و به نامعلوم و غیرقابل پیش‌بینی بودن نتیجه‌های آینده اشاره دارد. (موسویان، و علیزاده، ۱۳۹۴، ص ۷۲) ریسک احتمال ازدست‌رفتن همه یا بخشی از اصل سرمایه‌گذاری است و باید پذیرفت هر نوع فعالیت اقتصادی، مستلزم پذیرش خطر است؛ زیرا کمتر می‌توان فعالیتی اقتصادی را پیدا نمود که از تمام جهات معلوم و قابل پیش‌بینی باشد و فعال اقتصادی مطمئن به حصول نتیجه موردنظر خود در آن فعالیت باشد. لازم به ذکر است تمام فعالیت‌های اقتصادی دارای ریسک هستند و البته درجات ریسکی آنها متفاوت است و در برخی از آنها ریسک دارای نمود و ظهور بیشتری است. به‌عنوان مثال شارع مقدس ریسک‌هایی را که در ضمن معاملات غرری و یا قمار محقق می‌گردد، ممنوع نموده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۴۳) ولی از سوی دیگر با امضا و یا تشریح فعالیت‌های اقتصادی دارای ریسک و مخاطره نظیر مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات، اصل ریسک‌پذیری در فعالیت‌های اقتصادی را پذیرفته است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۶۷) ریسکی بودن عقود مشارکتی به این دلیل است که اولاً سودآوری یا ضرردهی این فعالیت‌های اقتصادی که در آینده محقق می‌شود در زمان عقد نامعلوم است و ثانیاً به دلیل مشارکتی بودن این عقود و سهم‌شدن طرفین عقد در سود و زیان و از طرفی نامعلوم بودن میزان منافع و یا مضراتی که حاصل خواهد شد، میزان سود و خسارات وارد بر هر یک از طرفین نامشخص است. اما به هر حال با وجود مخاطره‌ای بودن این عقود، شارع این مقدار ریسک را پذیرفته و حکم به صحت این عقود داده است. جواز بیع بنده فراری همراه با ضمیمه (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۴۹) از جمله موارد صحیح بیع‌های همراه با ریسک است؛ زیرا به دلیل احتمال عدم قدرت مشتری بر قبض مبیع ممکن است تمام ثمن در مقابل ضمیمه واقع شود که خود نوعی ریسک است.

هم‌چنین حرمت و ممنوعیت ربا را نیز می‌توان از شواهد پذیرش اصل ریسک‌پذیری در اسلام دانست. توضیح اینکه بر اساس قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، اگر صاحب سرمایه بخواهد در سود ناشی از یک فعالیت اقتصادی شراکت داشته باشد، ضرورت دارد تا در زیان نیز شراکت کند که در این صورت رابطه اقتصادی میان طرفین از قرض، به شرکت یا مضاربه تغییر

خواهد یافت؛ اما در صورتی که فقط ربح، برای قرض دهنده باشد و در خسارت یا خطر وقوع زیان، هیچ سهمی نداشته باشد، چنین فعالیتی جزو فعالیت‌های ممنوعه و ربوی محسوب می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲ ص ۵۶) این مسئله نشان‌دهنده توجه اسلام به مخاطره و ریسک و پذیرش آن به‌عنوان یک واقعیت قابل قبول در تعامل‌های اقتصادی در یک جامعه است و برعکس قطعیت و ریسک‌گریزی در مورد تحقق سود برای فرد قرض‌دهنده، از جمله موارد تحریمی در معامله می‌باشد. (موسویان و علیزاده اصل، ۱۳۹۴، ص ۷۶)

اسلام نسبت به ریسک و خطر راه میانه را برگزیده است؛ نه آن را مطلقاً پذیرفته و نه به‌صورت کامل رد می‌کند؛ بلکه در قالب منع از قمار، بخت‌آزمایی، شرط‌بندی، به هلاکت انداختن اموال، بیع غری، بیع منابذه و ملامسه و حصات درصدد بیان محدودیت‌هایی جهت پذیرش ریسک می‌باشد و ریسک منفک از عمل و سرمایه (ریسک محض) که ایجاد ارزش افزوده نمی‌کند را مردود می‌داند.

اساساً ریسکی که معادل ابهام، عدم اطمینان یا غرر باشد به‌عنوان یکی از قواعد محدودکننده پذیرش معاملات شمرده می‌شود؛ لذا افراد اجازه ندارند قراردادهای مبهم با نااطمینانی بیش از اندازه را منعقد نمایند. از سوی دیگر ریسک حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بین طرفین تسهیم و توزیع می‌شود و به‌گونه‌ای نیست که یک طرف منتفع و طرف دیگر متضرر شود و انتقال کامل ریسک جایگاهی ندارد.

اصل ریسک فی‌الجمله مورد تأیید شارع است و شریعت ریسک مفید، مولد و قابل کنترل در امور مالی مشروط به ایجاد ارزش جدید را تجویز می‌نماید. از این‌رو اثرگذاری ریسک بر تفاوت حال و آینده ارزش کالاها که مورد توجه فعالان اقتصادی است مورد تأیید شارع خواهد بود و کسب سود و عایدی سرمایه نقدی را در صورتی امضا می‌کند که همراه با پذیرش ضرر و ریسک ناشی از فعالیت اقتصادی باشد نه منفک از عمل.

۴) اعتبارسنجی فقهی ترجیح مصرف حال به منظور اثبات ارزش زمانی پول

مبتنی بر این دلیل، تمایل به انتفاع و بهره‌مندی سریع از دارایی‌ها و درک زودتر لذت‌های ناشی از مصرف اموال، امری است فراگیر که در بسیاری از انسان‌ها مشترک است و از این‌رو افراد

مصرف حال را بر آینده ترجیح می‌دهند و دلایل متعدد روانی و اقتصادی نظیر احتمال فرارسیدن مرگ، ترس از محرومیت ناشی از سرقت و تلف اموال و امکان کاهش ارزش دارایی‌ها موجب می‌گردد تا افراد ترجیح دهند که تا حد امکان اموال خود را در حال حاضر مصرف نمایند و مصرف آن را به تأخیر نیندازند.

هر چند این مطلب به طور مطلق در مورد همه افراد و یا درباره همه اموال صادق نیست و در مواردی خاص انسان‌ها از مصرف فعلی صرف نظر می‌کنند و مصرف را به آینده موکول می‌نمایند؛ ولی این عدم مصرف در اکثر موارد از محدودیت‌های عارضی در زندگی آنها نشئت می‌گیرد و بر خلاف طبیعت اولیه در رفتار غالب انسان‌هاست که بی‌تابی و عجله در رسیدن به خواسته‌ها در وجودشان نهادینه شده است. در واقع اگر عواملی نظیر ترس از فقر در آینده و احساس نیاز به ذخیره و پس‌انداز دارایی برای رفع نیازهای احتمالی آتی نبود، اشخاص تمایل داشتند تا از اموال خود هر چه زودتر بهره‌مند شوند و آن را در زمان حال یا زمانی هر چه نزدیک‌تر به زمان حال مصرف کنند؛ ولی این موانع و مشکلات عارضی است که در پاره‌ای موارد موجب عدم ترجیح مصرف فعلی می‌شود و فرد را به امساک مجبور می‌سازد.

ترجیح به مصرف در نزد موافقان نظریه ارزش زمانی پول، در مورد پول نیز صادق بوده و پول از این قاعده مستثنی نیست و از این رو تمایل به مصرف زودتر آن وجود دارد. این تمایل در صورتی به تحقق می‌رسد که پول در زمان حال در اختیار شخص باشد و وی بالفعل قدرت تصرف در آن را داشته باشد. پولی که در آینده به دست شخص خواهد رسید پولی نیست که بتوان بالفعل در آن تصرف کرد و از آن بهره برد. نتیجه اینکه پول حال بر پول آینده ترجیح داشته و دارای ارزش بیشتری است؛ زیرا قادر است پاسخگوی تمایلات انسانی برای مصرف فعلی خود باشد.

یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان‌ها تمایل به مصرف در حال حاضر است و از این رو به تأخیرافتادن حصول یک شیء از مطلوبیت آن شیء نزد افراد می‌کاهد و علتی برای کم شدن ارزش آن می‌گردد؛ زیرا شخص از مصرف زودتر آن باز می‌ماند و باید تا فرارسیدن موعد حصول آن صبر کند.

تمایل و ترجیح مصرف در مورد پول نیز در صورتی به واقعیت می‌رسد که پول در زمان

حال در اختیار شخص باشد و وی بالفعل قدرت تصرف در آن را داشته باشد. پولی که در آینده به ملکیت شخص خواهد رسید پولی نیست که بتوان بالفعل در آن تصرف کرد و از آن بهره برد و به این جهت در مقایسه با پول حال دارای ارزش کمتری است. نتیجه اینکه پول حال بر پول آینده ترجیح داشته و دارای ارزش بیشتری است؛ زیرا قادر است پاسخگوی تمایلات انسان برای مصرف فعلی باشد.

باتوجه به این روحیه انسانی و واقعیت جاری در تعاملات بشری است که افراد دوست دارند هر چه زودتر اموال و دارایی‌های خود را تحت تصرف خود داشته باشند تا هرگونه که می‌خواهند در آن تصرف نمایند و در مقابل اعمال هرگونه رفتاری که خلاف این خواسته درونی باشد و به عبارتی امساک از مصرف به حساب آید تقاضای پاداش می‌نمایند که در این راستا می‌توان به مسئله فقهی جواز فروش کالا باقیمت مضاعف به بدهکار در برابر به تأخیر انداختن اجل دین اشاره نمود. توضیح اینکه فقها در باب دین اتفاق نظر دارند که شخص می‌تواند به واسطه بهره‌مندی از منفعتی که توسط بدهکار در ضمن عقد لازمی مثل بیع به وی می‌رسد طلب خود از بدهکار را بدون افزودن بر اصل دین، با تأخیر مطالبه کند. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۲۶۹؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۵۸)

صاحب جواهر جواز این مسئله را با استناد به روایات و نصوص صریح (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۵۴) و فتاوی‌ای اصحاب، مطابق ضوابط شرعی و خالی از اشکال می‌داند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۱۲۱) مطابق یکی از این احادیث محمد بن اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم علیه‌السلام گفتم: از شخصی مقداری درهم طلبکارم. او به من می‌گوید: به من مهلت بده و من به تو سود می‌دهم. من جبه‌ای که هزار درهم برای من تمام شده به ده هزار درهم یا بیست هزار درهم به او می‌فروشم و طلبم را به عقب می‌اندازم. امام علیه‌السلام فرمودند: اشکال ندارد. (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۵۸)

بر اساس این فرع فقهی به تأخیر انداختن بازپرداخت دین و در واقع امساک و خودداری از بهره‌مندی زودتر از منافع مالی که ملک طلبکار است، مجوز فروش کالایی باقیمت مضاعف به بدهکار است و به این طریق طلبکار به منفعتی دست پیدا می‌کند که در واقع پاداش امساک است که به دلیل تاجیل دین، متحمل آن شده است.

هم چنین جواز زیادی قیمت نقد بر نسیه (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۳۶) را می‌توان شاهدی بر اثرگذاری امساک بر ارزش و پذیرش آن توسط شارع قلمداد نمود. زیرا فروشنده اخذ ثمن و دسترسی زودتر به ثمن کالای خود را بر خلاف میل طبیعی خویش، به تاخیر انداخته است و از این رو جایز است بر قیمت کالایش بیافزاید. به عبارتی می‌توان گفت چون بایع در مقابل کالای خود که به مشتری داده است ثمنی را نقدا دریافت نمی‌کند و اخذ آن را به تاخیر می‌اندازد سزاوار پاداشی است که شرع نیز با اعلام جواز افزودن بر قیمت نسیه‌ای کالا، با این پاداش موافقت نموده است.

۵) اعتبارسنجی فقهی تورم به‌عنوان دلیلی در اثبات ارزش زمانی پول

تورم از ادله مهم ارزش زمانی پول است و البته همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد، تورم شرط لازم برای صدق ارزش زمانی پول نیست و لذا طرف‌داران این نظریه در شرایط غیر تورمی نیز ارزش زمانی پول را پذیرفته‌اند؛ هر چند با وجود تورم، صدق این نظریه در نزد ایشان آشکارتر است. توضیح اینکه در شرایط تورمی باگذشت زمان از قدرت خرید پول کاسته می‌گردد. به‌موجب تورم و با کاهش قدرت خرید پول، ارزش آن نیز کم می‌شود؛ زیرا از دیدگاه سرمایه‌گذاران، واحدهای یکسانی از پول که دارای قدرت خرید متفاوتی در طول زمان هستند ارزش یکسانی ندارند و آن بخش از واحدهای پولی که قدرت خرید بیشتری دارند نسبت به دسته دیگر که قدرت خرید کمتری دارند با ارزش‌تر هستند.

مطابق مطلب پیش‌گفته در شرایط تورمی، ارزش پول حال بیش از ارزش پول آینده است؛ زیرا در این شرایط قدرت خرید پول در زمان حال بیش از قدرت خرید آن در زمان آتی است. واضح است که بر اساس این دلیل، مراد از ارزش در نظریه ارزش زمانی پول، قدرت خریدی است که در طول زمان کاهش پیدا کرده است چنانچه در ژانویه ۲۰۲۴، نسبت به ژانویه ۲۰۰۰ تغییرات قیمت مصرف‌کننده در اتحادیه اروپا معادل ۱۶۰.۹٪ است. این بدان معناست که قدرت خرید ۱۰۰ یورو در ژانویه ۲۰۰۰ برابر با ۲۰۶۱ یورو در ژانویه ۲۰۲۴ بوده است.^۱ همچنین در ایالات متحده آمریکا اگر یک کالا در سال ۲۰۰۰ قیمتی معادل ۱۰۰ دلار داشته باشد، در ابتدای سال ۲۰۲۳ به دلیل تورم، قیمت آن ۱۰۷۶ دلار است.^۲

^۱ https://tools.cs.gov.lv/cpi_calculator/en/2000M01-2024M01/0/1/00

^۲ <https://www.worlddata.info/america/usa/inflation-rates.php>

از منظر اقتصادی، در شرایط تورمی به دلیل کاهش قدرت خرید پول، از ارزش پول کاسته می‌شود و طبیعی است که در این شرایط ارزش پول آتی نسبت به پول حال کمتر خواهد شد. کاهش ارزش پول به دلیل تورم از واقعیات روشن اقتصادی است که تغییر قیمت کالاها در طول زمان بالاترین دلیل بر امکان آن است. تغییر قیمت کالاها و به تعبیری دقیق‌تر کاهش ارزش پول در زمان شارع نیز رخ داده است و مبتنی بر این واقعیت از امامان معصوم نیز سؤالاتی پیرامون مسائل وابسته به آن پرسیده شده است که در هیچ یک از این روایات کاهش ارزش توسط معصومین انکار نشده است مطابق حدیثی از حلبی «شخصی مقداری مواد خوراکی از دیگری خرید و نصف آن را تحویل گرفت؛ وقتی برای تحویل نصف دوم آن آمد، قیمت آن افزایش یا کاهش یافته بود. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود: اگر در روز خرید با فروشنده بر سر نرخ توافق کرده‌اند، پس نرخ همان است و اگر بر سر نرخ با هم توافق نکرده‌اند، نرخ روز بر عهده اوست!» (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۸۳)

باتوجه به مطالب پیش گفته روشن است که تورم به‌عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار بر تغییر ارزش پول و سایر کالاها مطرح است. البته فارغ از وضوح اقتصادی کاهش ارزش پول به سبب تورم که مورد تأیید شارع نیز هست، مسئله مورد اختلاف، مسئله لزوم یا عدم لزوم جبران این کاهش ارزش است.

۶) اعتبارسنجی فقهی هزینه فرصت^۱ برای اثبات ارزش زمانی پول

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلایل پذیرش ارزش زمانی پول، هزینه فرصت پول یا همان فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور انتظاری است. با نظر به ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، صاحب پول قادر است که دارایی خود را در طرح‌های اقتصادی سودآور به کار گیرد.

در مدیریت مالی در راستای تعریف و تبیین ارزش زمانی پول به همین دلیل استناد شده است، به‌عنوان مثال در مقام مقایسه ده میلیون تومانی که در سال جاری در اختیار شخص است و ده میلیون تومانی که سال آینده به وی خواهد رسید بیان می‌شود که ده میلیون تومان امسال

^۱ فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور دیگر

دارای ارزشی بیش از ده میلیون تومان سال آینده است؛ زیرا شخص می‌تواند این ده میلیون تومان را در حسابی با نرخ مثلاً ۵ درصد سرمایه‌گذاری کرده و یک سال بعد معادل ۵۰۰ هزار تومان سود به دست آورد و حال آنکه ده میلیون تومانی که قرار است سال بعد به وی برسد و اکنون در اختیار وی نیست قابلیت این سرمایه‌گذاری و سود دهی را ندارد. به عبارتی دیگر اگر قرار باشد ده میلیون تومان امسال شما سال بعد به شما برسد شما ۵۰۰ هزار تومان ضرر خواهید کرد و این به معنای ارزش بیشتری است که پول حاضر نسبت به پول آینده دارد زیرا قادر است در فرصتهای سرمایه‌گذاری شرکت کرده و مازاد بر اصل سرمایه، سودی نصیب مالک خود سازد این دلیل مبتنی بر نگاه به ظرفیت درآمدی بالقوه پول می‌باشد.

در تبیین چرایی ارزش بیشتر پول حال به پول آتی هم چنین می‌توان به مسئله نزولی بودن نرخ بازدهی سرمایه و نزولی بودن نرخ سرمایه‌گذاری نیز اشاره نمود.^۱

با بهره‌گیری از پول حاضر می‌توان آن را بالفعل در کنار سایر عوامل تولیدی سرمایه-گذاری نمود و در این راستا هر چه مقدار پول موردنظر زودتر به دست سرمایه‌گذار برسد حضور طولانی‌تر پول در فرایند طرح‌های سرمایه‌گذاری، موجب سوددهی بیشتر آن خواهد شد. به دلیل محدودیت فرصت‌های سرمایه‌گذاری و با توجه به اشباع این ظرفیت‌های محدود اقتصادی در طول زمان، نرخ سرمایه‌گذاری غالباً نزولی است و سرمایه‌گذاران با تأمین نیاز سرمایه‌ای خود تمایل به جذب سرمایه جدید ندارند و یا اگر تقاضای جذب سرمایه جدید داشته باشند به دلیل کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و فزونی عرضه بر تقاضا در بازار سرمایه، نرخ‌های سودی که برای تأمین‌کنندگان قرار داده می‌شود کمتر و کمتر در نظر گرفته می‌شود که همین مطلب نشان‌دهنده ارزش کمتر پول‌هایی است که به‌عنوان سرمایه در بازه‌های زمانی دیرتری وارد طرح‌های اقتصادی می‌شوند.

هم چنین با توجه به نرخ نزولی بازدهی سرمایه، پول‌هایی که در مراحل آغازین طرح‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شوند دارای بازدهی بیشتری هستند؛ به عبارتی دیگر واحدهای پولی

^۱ بحث نزولی بودن نرخ بازدهی سرمایه و نرخ سرمایه‌گذاری نیز که در ادله ارزش زمانی پول جدا مطرح شده بود، به دلیل ارتباط زیادی که با بحث حاضر دارد در ذیل همین عنوان بحث می‌شود.

نزدیک‌تر به زمان حال‌اند، زودتر در فرایند سرمایه‌گذاری بکار گرفته می‌شوند و بازدهی بیشتری نسبت به پول‌هایی که با تأخیر وارد این فرایند می‌شوند دارند و از این رو پول حال دارای ارزش بیشتری نسبت به پول آینده است.

مطلوبیت و مرغوبیتی که منبعث از اغراض عقلایی باشد در ارزشمندی یک شیء و میزان آن ارزش مؤثر است. یکی از اموری که در ارزشمندی یک شیء مورد توجه فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد میزان امکان حضور یک دارایی در فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای رسیدن به درآمد بیشتر و سود بالاتر است. یقیناً آن دارایی که امکان حضور در سرمایه‌گذاری‌های بیشتری را داراست از ارزش بیشتری نسبت به سایر دارایی‌ها برخوردار است. همچنان که امکان حضور طولانی‌تر یک دارایی در سرمایه‌گذاری‌های با بازده مثبت نیز، موجب ارزش بیشتر آن دارایی می‌گردد. این ارزش که ناشی از فرصت‌های بیشتر سرمایه‌گذاری برای یک دارایی است واقعیتی است مورد پذیرش عرف و عقلاً که مورد تأیید شارع نیز است. در زمینه اهمیت شارع به گردش پول و تشویق به حضور در فعالیت‌های مفید اقتصادی می‌توان به حکم حرمت کنز و راکد نگه‌داشتن درهم و دینار بر اساس آیه ۳۴ سوره توبه^۱ اشاره نمود.

فلسفه وجودی پول همان گردش کامل‌تر و سریع‌تر چرخه اقتصاد می‌باشد؛ لذا آنها که پول را پنهان و از گردش می‌اندازند نه تنها موجب رکود اقتصادی و زیان به منافع جامعه می‌شوند بلکه عمل آنها بر ضد فلسفه پیدایش پول است. آیه ۳۴ سوره توبه صریحاً ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده است و به مسلمانان دستور می‌دهد که اموال خویش را در طریق بهره‌گیری بندگان خدا به کار اندازند، و از اندوختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آنها از گردش معاملات بپرهیزند، در غیر این صورت باید منتظر عذاب دردناکی باشند. این عذاب علاوه بر عذاب روز رستاخیز مجازات‌های سخت این دنیا را که بر اثر به هم خوردن موازنه اقتصادی و پیدایش اختلافات طبقاتی دامان فقیر و غنی را می‌گیرد نیز شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۹۳)

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ تَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

بنابراین، باتوجه به اینکه به گردش درآمدن پول و راکد نماندن آن از امور ارزشمند اقتصادی است که مورد تأیید شارع نیز هست، در نتیجه موقعیت‌های متعدد سرمایه‌گذاری که زمینه‌ساز به فعلیت رسیدن این ارزش اقتصادی هستند موجب تمایز ارزش پول خواهند شد؛ به عبارتی دیگر پولی که در موقعیت فراوانی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به انسان می‌رسد نسبت به پولی که در شرایط کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری قرار دارد از ارزش بیشتری برخوردار است چرا که مالک این پول قادر است پول خود را با انتخاب خود در بهترین این فرصت‌ها سرمایه‌گذاری نموده و خود و جامعه را از آن منافع آن بهره‌مند سازد.

باتوجه به اینکه هر چه پولی زودتر در اختیار انسان و تحت تصرف وی باشد امکان حضور بیشتر و طولانی‌تر در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مهیاست لذا می‌توان به ارزش بیشتر پول‌های حال نسبت به پول‌های آتی پی برد؛ هم چنین به دلیل اینکه غالباً نرخ سرمایه‌گذاری و نرخ بازدهی سرمایه در پروژه‌های مختلف سرمایه‌ای نزولی می‌باشد باید اذعان نمود که اگر پول‌های حال در موقعیت بهتری نسبت به سرمایه‌گذاری قرار داشته باشند نسبت به پول‌های آتی ارزش بیشتری دارند.

۷) اعتبارسنجی فقهی ترجیح مثبت زمانی در اثبات ارزش زمانی پول

برخی معتقدند ارزش زمانی پول در مدیریت مالی، همان ترجیح مثبت زمانی در اقتصاد است و یکی از ادله و وجوه توجیهی ارزش زمانی پول شمرده می‌شود (فتانت، ۱۳۷۶، ص ۸۶) و باتوجه به اینکه ترجیح مثبت زمانی، به معنی انتخاب بین دو مقطع زمانی است و فردی که دارای فکر ترجیح زمانی است، در ارزش‌گذاری بین زمان حال و آینده، به زمان آینده اهمیت کمتری می‌دهد (دلالی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷) در نتیجه پول و کالای زمان حال را نیز بر پول و کالای آینده ترجیح داده و ارزشمندتر می‌داند.

البته سؤالی در این راستا مطرح می‌شود که چرا رجحان زمانی در زندگی انسان‌ها مخصوصاً در مسائل اقتصادی مشاهده می‌شود؟ بوم باورک سه دلیل اقتصادی، روانی و فنی در این خصوص ارائه داده است. (عربی و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۴۴)

۷-۱) دلیل اقتصادی یا جامعه‌شناختی رجحان زمانی

نخستین دلیل مهم، تفاوت در ارزش میان کالا و پول حال و آینده از نظر بوم باورک مبتنی بر تفاوت شرایط نیاز و تأمین آن در حال و آینده است. براین اساس بوم باورک معتقد است هر انسانی در طول زندگی خود معمولاً در شرایط سختی قرار می‌گیرد؛ ولی امید دارد در آینده از این شرایط سخت‌رهایی پیدا کند و به دلیل همین امید حاضر است کالای حاضر را نسبت به کالای آتی ترجیح دهد تا بتواند با پشت سر گذاشتن شرایط فعلی، به تدریج از شرایط سخت حاضر خارج شود و در آینده به آسایش دست یابد. به همین دلیل است که افراد حاضرند در مقابل دریافت کالاهای حاضر به فراهم آوردن گران این کالاها (قرض دهندگان) وعده مقدار بیشتری از کالاهای آتی را بدهند. به عبارتی دیگر افراد حاضرند در مقابل مقدار مشخصی از کالاهای حاضر مقادیر بیشتری را در آینده تعهد کنند که این امر نشان‌دهنده منطق شکل‌گیری بهره است. البته وی معتقد است بخش کوچکی از موارد است که از ارتباط بین حال و آینده ممانعت شده و یا این ارتباط به وسیله شرایط خاص مورد تهدید قرار گرفته است و در نتیجه کالاها و پول حال ارزش ذهنی کمتری نسبت به کالاهای آینده دارند؛ ولی معتقد است حتی در این موارد نیز با وجود برتری ارزش ذهنی کالاهای آینده بر حال اما باز هم افراد در برآیند ارزش‌گذاری ذهنی که ارزش مبادله‌ای را تعیین می‌کند کالاهای حال را بر کالاهای آینده برتری داده و توفیر قابل توجهی نسبت به کالاهای آینده برای آن لحاظ می‌کنند. (عربی و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۴۴)

۷-۲) دلیل روان‌شناختی رجحان زمانی

از منظر بوم باورک انسان‌ها از جهت روانی به خوشی‌ها و غم‌های زمان حال نسبت به خوشی‌ها و غم‌های آینده اهمیت بیشتری می‌دهند و به همین دلیل در نزد ایشان ارزش کالاهای زمان حال بیش از ارزش کالاهای آینده است. از منظر وی این حالت روانی به صورت خیلی روشن در کودکان قابل مشاهده است. در دنیای کودکان کمترین لذت‌ها اگر فقط بتوانند در زمان حال مورد بهره‌برداری قرار گیرد بر سنگین‌ترین و بادوام‌ترین مزیت‌ها می‌چربد. باورک معتقد است این پدیده در قبایل بدوی و البته در جوامع متمدن امروزی و در اندازه کوچک‌تر و در

شکل متعادل‌تر آن به صورت معقول درآمده و یا به یک فرهنگ تبدیل شده است وی برای توجیه این امر روانی به سه عامل اشاره می‌کند و این روحیه را ناشی از آنها معرفی می‌نماید. نخست مسئله مرگ است که با وجود اینکه از آن گریزی نیست؛ ولی زمانش نامشخص است و به همین دلیل ممکن است در هر لحظه با فرارسیدن مرگ، شادی‌ها و غم‌های آتی هرگز اتفاق نیفتد این مسئله موجب می‌شود مطلوبیت و ارزش کالاهای آینده مطابق با درجه نااطمینانی که از حیات خود دارند کاهش یابد؛ دوم نقصان تصاویر ذهنی انسان از آینده است که ناشی از عدم توانایی یا عدم قبول زحمت پیش‌بینی آینده است که موجب می‌گردد آگاهی آنها از نیازهای آتی ناقص باشد و در نتیجه کالاهایی نیز که برای تأمین آن نیازها مورد احتیاج است مورد توجه قرار نگرفته و از مطلوبیت و ارزش کمتری در نزد افراد بهره‌مند خواهند شد و مسئله سوم ضعف اراده انسان‌ها در زمینه انتخاب بین خوشی و یا ناخوشی آینده است که در بسیاری از موارد لذت حال را انتخاب می‌کند و قدرت مقاومت در مقابل لذت‌های حال را ندارند. (عربی و میثمی، ۱۳۹۷، ص ۴۴)

۷-۳) دلیل فنی رجحان زمانی

محور اصلی همه نظریه‌هایی که به اثبات ترجیح مثبت زمانی پرداخته‌اند مولد بودن سرمایه است که در نظریه بوم بارک با عنوان عامل و دلیل فنی مطرح شده است. اگر چه بوم باورک سه دلیل جامعه‌شناختی (اقتصادی)، روان‌شناختی و فنی ارائه کرده است؛ ولی اساس استدلال خود را بر همین دلیل فنی ارائه کرده است. در توضیح این دلیل گفته شده که فرایند تولید در نظام سرمایه‌داری بر این منطق استوار است که روش‌های تولیدی طولانی‌تر، مولدتر هستند. بر این اساس عوامل تولید حاضر بر عوامل تولید آتی از لحاظ فنی برتری دارند؛ زیرا این امکان فراهم است که این عوامل را در فرایندهای طولانی‌تر تولید وارد کرد که از یک طرف به تولید مقدار بیشتری از کالاها انجامیده و از سوی دیگر باعث ایجاد سطح بالاتری از ارزش و مطلوبیت نهایی می‌شوند در نتیجه دارایی حاضر از دارایی آتی بیشتر است؛ زیرا این امکان وجود دارد که دارایی‌های حاضر را به عنوان نهاده‌های تولیدی در فرایندهای طولانی‌تر تولید وارد کرد که بازدهی بیشتری نسبت به فرایندهای کوتاه‌مدت‌تر دارد.

باید توجه داشت که ترجیح زمانی حال به آینده از جمله عوامل روان‌شناختی است که هر یک از افراد را در تعیین قیمت کالا تحت تأثیر قرار می‌دهد و ترجیح حال بر آینده زمینه‌ساز ورود عامل زمان در تعیین ارزش‌ها و قیمت‌ها بوده و نشان‌دهنده تأثیر زمان _اجل_ در تعیین میزان ارزش است. تفاوت قیمت در معاملات نقد در مقایسه با معاملات نسیه و سلف بازگویی این واقعیت است که افراد، معجل را به مؤجل و به عبارتی حال را به آینده ترجیح می‌دهند. بر اساس این واقعیت رفتاری بسیاری از مبادلات شکل می‌گیرد و شارع مقدس آن را نهی نکرده است این عدم ردع شارع بازگویی این حقیقت است که شارع این‌گونه ارزش‌گذاری اشیا را که مبتنی بر ترجیح معجل بر مؤجل و به عبارتی حال بر آینده باشد به رسمیت می‌شناسد. در نتیجه ترجیح حال بر آینده یا تفضیل زمانی و تأثیر اجل بر تعیین ارزش‌ها امری عرفی است که سیره عقلاً بر آن جاری بوده و به دلیل عدم نهی شارع از جمله عناصری است که از نظر فقهی نیز می‌تواند در تمایز ارزش‌ها قابل قبول باشد.

اما در راستای بررسی صحت استناد ارزش زمانی پول به ترجیح مثبت زمانی که بوم باورک ارائه داده است می‌توان گفت هر چند آثار پذیرش اصل ترجیح حال بر آینده را در غالب رفتارهای افراد جامعه می‌توان مشاهده نمود ولی نمی‌توان دلایل سه‌گانه بوم باورک را در اثبات این امر کافی و بدون نقص دانست. توضیح اینکه ارزش ذهنی اشیا و به تبع ارزش مبادلی و یا قیمتی که برای یک کالا توسط افراد در بازارهای اقتصادی تعیین می‌گردد متأثر از میزان مطلوبیت و مرغوبیتی است که یک کالا در میان فعالان اقتصادی و افراد جامعه دارد و از این رو میزان ارزش کالاها از عناصر متعدد فرهنگی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اثر می‌پذیرد و در این میان می‌توان از مهم‌ترین عناصر اثرگذار بر ارزش را مسائل مرتبط با رفتار اجتماعی و حالات روانی افراد جامعه دانست که در دلیل اقتصادی یا جامعه‌شناختی و روانی بوم باورک نیز به آن اشاره شده است، همچنان که عامل فنی و یا مولدیت سرمایه و پول نیز که دلیل اصلی بوم باورک است می‌تواند از جمله عوامل اثرگذار بر ارزش کالاها و پول در نزد افراد جامعه باشد.

در این راستا یکی از مسائل مطرح شده در فقه، مسئله آزادی و اختیار مالک کالا در

قیمت گذاری املاک خویش است که این مسئله از جمله شواهدی است که نشان‌دهنده پذیرش اصل تفاوت ارزش گذاری کالاها در میان افراد جامعه است و البته شارع این آزادی را مطلق نگذاشته و در مواردی مانند حدوث غبن بر اثر تفاوت واقعی قیمت کالا با قیمت معامله (ارزان و گران فروشی از روی غرر) به جواز فسخ معامله حکم کرده است و یا در صورتی که مالک کالا با احتکار کالا افراد جامعه را با مشکل روبرو سازد و هم چنین موارد دیگر با شرایطی به جواز قیمت گذاری توسط حاکم حکم نموده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲ ص ۴۸۵)

لذا نمی‌توان به طور مطلق این عوامل را نفی و رد کرد همچنان که در صورت پذیرفتن نمی‌توان آنها را مطلق و بدون استثنا دانست؛ بلکه همچنان که بالوجدان شاهد هستیم افراد در شرایط مختلف زندگی نسبت به ارزش گذاری کالاهای گوناگون رفتارهای مختلفی نشان می‌دهند و حتی در مورد پولی که قرار است به آنها برسد در شرایطی خاص، آتی را به حال ترجیح می‌دهند. مثلاً کسانی که به هر دلیلی به آینده چشم دوخته‌اند و امید درآمد بالا در آینده دارند و یا ثروتمندانی که در انتظار از کارافتادگی هستند و برای آینده پس‌انداز می‌کنند از جمله کسانی هستند که ارزشیابی نسبی کالای حال به آینده برای آنها به نفع کالاهای آینده و به زیان کالاهای حال است. (رجایی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱)

اما آنچه در این میان از منظر فقهی مهم است تحلیل این مسئله است که تفاوت ارزش حال و آینده که در نظر بوم باورک متأثر از عوامل مختلف اجتماعی، روانی و فنی می‌باشد تا چه میزان و با چه شرایطی می‌تواند در روابط و فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار باشد؟ به عبارتی دیگر آیا می‌توان به صرف قبول تفاوت ارزش پول حال و آتی، حکم واحدی را مانند جواز کسب سود با استناد به آیه، تفاوت ارزش را در همه فعالیت‌های اقتصادی از بیع نسبه گرفته تا قرض، صادر کنیم یا خیر؟

به نظر می‌رسد دلیل فنی بوم باورک که مهم‌ترین دلیل شمرده می‌شود و مبتنی بر آن، سرمایه و پول اگر در فرایند سرمایه گذاری بلندمدت قرار گیرد می‌تواند منشأ مازادی شود و همین امر می‌تواند دلیلی بر ارزش بیشتر پول حال بر آتی تلقی شود؛ ولی نکته مهم اینجاست که بوم باورک نمی‌تواند برای بهره‌بردن از ارزش زمانی پول در توجیه قرض ربوی این دلیل را به صورت

مطلق در مورد ارزش بیشتر پول حال بر آتی در تمام فعالیت‌های اقتصادی و در ضمن هر عقد و قرارداد اقتصادی مطرح کند، زیرا اولاً هر پولی که قرض داده می‌شود لزوماً در فرایند تولیدی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه بسیاری از قرض‌ها مصرفی و استهلاکی می‌باشند ثانیاً نیا بر فرض اینکه پول قرض داده شده در فرایند تولیدی قرار گیرد لزوماً به درآمدزایی نمی‌انجامد و آن طرح اقتصادی سودآور نخواهد بود و ثالثاً بر فرض سودآور بودن فرایند تولیدی این که پول قرض داده شده در آن سرمایه‌گذاری شده است، نمی‌توان قرض‌دهنده را مالک آن سود و یا شریک در آن دانست؛ زیرا قرض‌دهنده پس از قرض‌دادن مالکیت خود نسبت به مال قرض داده شده را به قرض‌گیرنده منتقل نموده و رابطه‌وی با مال قطع می‌شود؛ لذا مطالبه بخشی از منافع حاصله بر اساس فکر ترجیح مثبت زمانی فاقد پشتوانه می‌باشد و نمی‌تواند منشأ درآمد باشد.

۸) اعتبارسنجی فقهی ارزش پولی زمان^۱ به‌عنوان دلیلی در اثبات

ارزش زمانی پول

ارزش پولی زمان، یعنی اینکه زمان فی‌نفسه ارزشمند و دارای قیمت است که قیمت زیاده در بیع نسیه نسبت به قیمت نقد، یکی از شواهد موافقان این اندیشه است. هر گاه در بیع برای پرداخت قیمت یک کالا مدت زمانی تعیین شود و بیع به‌صورت نسیه‌ای واقع شود، ارزش پولی این بازه زمانی بر قیمت نقدی کالا افزوده می‌شود و لذا قیمت کالای نسیه بیشتر از قیمت کالای نقد می‌گردد؛ در واقع قیمت کالای نسیه برابر است با قیمت کالای نقد به‌علاوه قیمت مدت زمانی که برای پرداخت ثمن کالا تعیین شده است. از منظر این گروه کمتر بودن قیمت نقدی کالا نسبت به قیمت نسیه دلالت بر این حقیقت دارد که پول زمان حال نسبت به پول آینده ارزش بیشتری را داراست؛ زیرا با میزان کمتری از پول نقد می‌توانیم همان مقدار کالای نسیه را بخریم درحالی‌که در نسیه باید پول بیشتری را برای دریافت همان مقدار کالا در آینده پرداخت کنیم. با این تحلیل پذیرش ارزش پولی زمان به‌ویژه در معاملات نسیه، زمینه‌ساز تصدیق ارزش زمانی پول است.

^۱ نظریه اجرت زمان

اگرچه برخی ارزش زمانی پول را ناشی از ارزش پولی زمان می‌دانند (فتانت، ۱۳۷۶، ص ۸۱) و تفاوت قیمت نقد با نسیه و سلف را شاهدی بر مدعی خود می‌دانند مطابق این فکر چون زمان‌مند و دارای قیمت پولی است در نتیجه در بیع نسیه باید پول بیشتری نسبت به پول نقد پردازیم و به عبارتی دیگر با پول نقد کمتر می‌توانیم همان کالایی را خریداری نماییم که در صورت نسیه ملزم به پرداخت پول بیشتری به افزایش بودیم و همین نشان‌دهنده ارزش بیشتر پول حال نسبت به پول آینده است؛ زیرا میزان کمتر ولی نقد آن همان کارکردی را دارد که میزان بیشتر آتی آن داراست. در نقد این نظر باید گفت اندیشه ارزش پولی زمان هم از جهت تصویری و ارائه تصویری صحیح و جامع از نظریه که با سایر آموزه‌های فقهی هماهنگ باشد و هم از جهت تصدیقی و بیان ادله و شواهد فقهی کافی برای اثبات این نظریه، دارای کاستی‌هایی است که بدون رفع آنها نمی‌توان به اعتبار فقهی ارزش پولی زمان ملتزم شد. در گام اول اشکالات تصویری ارزش پولی زمان را مطرح نموده و در ادامه شاهد موافقان بر بهاء مند بودن زمان که همان تفاوت قیمت نقد و نسیه است به نقد می‌کشیم.

ایرادات وارد بر ارزش پولی زمان در مرحله تصور را می‌توان در ضمن ۶ مورد خلاصه نمود که با وجود این اشکالات، التزام به ارزشمندی پولی زمان و جواز قیمت‌گذاری برای آن در معاملات مؤجل، مشکل می‌باشد:

- ا. مطابق قاعده الاوصاف و الشروط لا یقابل بالاعراض (یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۸۳) زمان نیز مانند شروط یا اوصاف در قبال ثمن قرار نمی‌گیرد.
- ب. معامله زمان از قبیل خرید و فروش زمان و انتقال مالکیت آن از شخصی به شخص دیگر، اجاره‌دادن زمان و معاوضه آن با عوضی دیگر فاقد معنای عقلایی است و معامله آن از مصادیق معامله سفهی است. به عبارتی زمان مالیت مبادله‌ای و معاوضه‌ای ندارد تا بتواند به‌عنوان معوض و مبیع یا جزئی از آن قرار بگیرد. آری گاهی برای بازه‌های زمانی قیمتی مشخص می‌شود؛ ولی این قیمت در واقع قیمت مظروفی است که در ظرف زمان واقع شده است و نه قیمت خود زمان؛ مثلاً شخص به‌عنوان اجیر و کارگر برای هر ساعت

- کارگری مبلغی را تعیین می کند که این مبلغ در واقع قیمت کار و عملی است که او در این بازه زمانی انجام می دهد و نه قیمت خود زمان.
- ج. فتوای مشهور شرطیت عین بودن مبیع در عقد بیع می باشد باتوجه به این نکته باید گفت اجل نه از سنخ اعیان است و نه از سنخ حقوق و لذا نمی تواند به عنوان مضمن یا جزئی از آن در ضمن عقد بیع قرار بگیرد.
- د. در صورتی می توان برای زمان قیمت معین کرد و برای آن ارزش پولی متصور شد که عرف زمان را به عنوان مبیع یا جزئی از مبیع پذیرفته باشد و حال آنکه عرفاً، اجل را به عنوان مبیع یا جزئی از آن نمی شناسند. به عنوان مثال بایع به هنگام فروش نسیه ای کالا زمان را به عنوان جزئی از مبیع لحاظ نمی کند تا ثمنی در برابر آن قرار گیرد؛ بلکه در نظر او مبیع صرفاً همان کالا می باشد که اجلی برای پرداخت ثمن آن لحاظ شده است. در واقع مشتری زمان را به عنوان جزئی از مبیع در نظر نمی گیرد تا در برابر آن ثمنی قرار دهد و به همین دلیل است که اگر از کالایی که خریده است پرسش شود او اجل را در کنار کالا به عنوان جزئی از آنچه خریداری کرده است ذکر نمی کند؛ بلکه اجل را مهلتی می داند که بایع برای پرداخت ثمن به او داده است. در نتیجه اجل شرطی است برای زمان پرداخت ثمن که بایع برای مشتری قرار داده است نه اینکه مبیعی باشد که دارای قیمت و ثمن باشد.
- ه. از جمله قرائنی که نشان دهنده آن است که زمان جزئی از مضمن نمی باشد حکم به ثبوت خیار تخلف شرط به هنگام تخلف از شرط اجل در عقد بیع است. توضیح اینکه اگر بایع بر خلاف اجل شرط شده زودتر از موعد مقرر ثمن کالا را طلب کند، برای مشتری خیار تخلف شرط ثابت می شود و نه خیار تبعض صفت در حالی که اگر اجل جزئی از مبیع می بود باید خیار تبعض صفت برای مشتری ثابت می شد.
- و. مطابق قاعده «العقود تابعة للقصد» و باتوجه به نقد پیشین، چون جزئیت اجل به عنوان بخشی از مضمن توسط هیچ یک از متعاملین قصد نشده است؛ لذا اجل

نمی‌تواند به‌عنوان بخشی از مثنی باشد و از این رو در برابر آن ثمن قرار نمی‌گیرد تا ارزش پولی آن تأیید شود و از این رو تصور ارزش پولی زمان مشکل به نظر می‌رسد.

اما از جهت تصدیقی و دلیل اقامه شده بر ارزش پولی زمان نیز، نمی‌توان زیادی قیمت در بیع نسیه را دلیلی بر ارزش پولی زمان دانست. در واقع با توجه به اشکالات متعدد تصویری که بر ارزش پولی زمان وارد است باید دلیل دیگری برای این زیادی قیمت ارائه داد. به نظر ما بهترین دلیلی که می‌توان برای توجیه زیادی قیمت نسیه بر نقد بیان کرد، مسئله ترجیح نقد بر نسیه و یا به عبارتی ترجیح حال بر آینده یا تفضیل زمانی است.

۹) اعتبارسنجی فقهی نرخ بهره برای اثبات ارزش زمانی پول

یکی از توجیحات ارزش زمانی پول، وجود نرخ بهره در اقتصاد سرمایه‌داری است که بر اساس آن هر فردی می‌تواند پول خود را در بانک سپرده نموده و یا به دیگری قرض داده و از محل آن سودهایی را دریافت نماید. با این اقدام، پول وی در پایان سال برابر خواهد بود با پول ابتدای سال به اضافه سود تعلق گرفته به آن. همین امر توجیهی است بر اینکه یول دارای ارزش زمانی است؛ یعنی مالک پول می‌تواند در زمان حال، مقدار پولی را که در اختیار دارد قرض داده و با گرفتن سود موجب ایجاد درآمد برای خود شود، در حالی که اگر همین میزان پول در سال بعد به وی برسد نمی‌تواند از این درآمد بهره ببرد؛ بنابراین پول حال دارای ارزشی بیش از پول آینده است.

در نوشته‌های مختلف اقتصادی و مالی معاصر، با دو رویکرد گاهی ارزش زمانی پول به‌عنوان توجیهی برای قرض ربوی مطرح گشته است و در رویکردی دیگر وجود قرض ربوی در اقتصاد، از جمله علل ارزش زمانی پول معرفی شده است^۱ و در واقع یکی از توجیحات ارزش

^۱ بر اساس رویکرد اول (ارزش زمانی پول دلیلی بر توجیه ریاست) ابتدا ارزش زمانی پول را ناشی از عواملی غیر از ربا مانند ریسک، ترجیح مصرف، تورم، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، و ارزش پولی زمان می‌دانند و بعد از اثبات این ارزش پولی زمان، آن را دلیلی برای جواز بهره و ربا معرفی می‌کنند به این بیان که چون پول حال دارای ارزش بیشتری از پول آینده است پس قرض‌گیرنده باید مبلغ بیشتری بازپرداخت کند. ولی در رویکرد دوم (ربا دلیل ارزش زمانی است) ابتدا ربا و بهره را در ذیل عنوانی نظیر

زمانی پول، نرخ بهره است؛ در این بخش که به بررسی توجیحات ارزش زمانی پول می‌پردازیم با توجه به رویکرد دوم گفته شده است که صاحب پول می‌تواند پول در اختیارش را به دیگران قرض داده و در زمان آتی و به هنگام بازپرداخت از آنها بهره دریافت نماید. یعنی مالک پول می‌تواند در زمان حال، مقدار پولی را که در اختیار دارد قرض داده و با گرفتن سود موجب ایجاد درآمد برای خود شود، در حالی که اگر همین میزان پول در سال بعد به وی برسد نمی‌تواند از این طریق کسب درآمد بهره کند. مبتنی بر این شیوه کسب درآمد با پول که در ضمن عقد قرض امکان‌پذیر است نتیجه گرفته می‌شود که پول حال دارای ارزشی بیش از پول آینده است؛ زیرا قابلیت سودآوری از طریق قرض با بهره را داراست.

اما در نقد فقهی این استدلال باید گفت همان‌گونه که واضح است این‌گونه بهره دریافتی در ضمن عقد قرض رباست و از نظر فقهی حرام و غیرجایز است؛ بنابراین نمی‌توان گرفتن بهره در قرض را به‌عنوان روشی برای کسب درآمد پذیرفت. در واقع از منظر فقهی، اساساً قرض نمی‌تواند سودآور باشد و لذا نمی‌توان قرض سودده را به‌عنوان یکی از راه‌های کسب درآمد دلیلی بر زیادی ارزش پول حال نسبت به آینده دانست. نتیجه اینکه اثبات ارزش زمانی پول، با استناد به امکان کسب سود به وسیله پول قرض داده شده غیرقابل قبول بوده و از نظر فقهی مردود است به عبارتی دیگر از نظر فقهی، زیادی ارزش پول حال نسبت به پول آتی به دلیل امکان بهره‌مندی از ربای قرضی به وسیله آن، مردود است چرا که اساساً ربای قرضی از نظر شرع حرام بوده و تمام آثار و لوازم آن، از جمله منشأ زیادت ارزش پول حال بر پول آتی پذیرفته نیست و اعتبار فقهی ندارد

نتیجه‌گیری

نظریه ارزش زمانی پول از مفاهیم اساسی اقتصادی و پایه شکل‌گیری بازارهای مالی می‌باشد این نظریه امری عقلایی و عرفی بوده و برخی ادله پذیرش آن مانند ترجیح مصرف در زمان

اجرت پول، اجرت امساک، اجرت زمان، هزینه فرصت پول و هزینه جبران کاهش ارزش پول توجیه کرده و آن‌گاه ربا را دلیلی بر صدق نظریه ارزش زمانی پول می‌دانند به این بیان که چون در قرض پول حال در برابر پول بیشتر آتی قرار می‌گیرد پس پول حال دارای ارزش بیشتری است.

حال، ترجیح مثبت زمانی و تورم قابل قبول می‌باشد و ادله‌ای نظیر نرخ بهره و ارزش پولی زمان از منظر فقهی اعتباری ندارند و لذا می‌توان گفت دلایل و توجیحات پذیرش این نظریه فی‌الجمله از منظر فقهی استبعادی نداشته و بلاشکال است. البته باید توجه نمود که اثبات اعتبار مطلق مفاد نظریه ارزش زمانی پول، به معنای پذیرش مطلق کارکرد درآمدزایی آن در تمام عقود نمی‌باشد و کارکرد ارزش زمانی پول در فعالیت‌های اقتصادی انتفاعی معتبر و در سایر فعالیت‌های اقتصادی که در ماهیت آن، انتفاع تجاری و کسب سود لحاظ نشده است؛ مانند قرض، اعتبار شرعی ندارد و نمی‌تواند دلیلی برای اثبات قرض ربوی باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. تولمی، محمدتقی (۱۴۰۲ق). بررسی فقهی ارزش زمانی پول. قم: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه، چاپ اول.
۲. تولمی، محمدتقی؛ نوذری، فردوسیه؛ خلیل‌زاده، محمدرضا (۱۴۰۲ق). بررسی فقهی — حقوقی نظریه ارزش زمانی پول و گستره کارکرد آن. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۵(۲۸)، ۱۲۵-۱۵۰.
۳. تولمی، محمدتقی؛ راغبی، محمدعلی (۱۴۰۲ق). بررسی و نقد نظریه‌های ارزش مبادلی با تأکید بر تمایز ارزش شأنی و فعلی. فقه و اصول، ۱(۱۵۵)، ۷۵-۹۵.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۵ق). مختلف الشیعه. قم: جامعه مدرسین.
۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
۷. دلالی اصفهانی، رحیم؛ واعظ برزانی، محمد؛ زارعیان، سعید (پاییز ۱۳۹۵). تأثیر ترجیح زمانی بر رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی رشد و توسعه پایدار، ۱۶(۳).
۸. رجایی، کاظم (۱۳۸۵). ماهیت بهره و کارایی اقتصادی آن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. زاهدی، وفا؛ پیغامی (پاییز و زمستان ۱۳۸۸). پول و زمان در نظریه توسعه اقتصاد اسلامی. دو فصلنامه علمی تخصصی اقتصاد اسلامی، ۲(۱).
۱۰. زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۹۱). پول، ارز و بانکداری. تهران: ترمه، چاپ شانزدهم.
۱۱. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مذهب الأحکام. قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۱۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتاب‌فروشی داوری، چاپ اول.
۱۳. طباطبائی‌نژاد، سید صادق (۱۴۰۳ق). وقف پول از منظر فریقین. آموزه‌های فقه و اصول مقارن.
۱۴. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق). حاشیه المکاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۱۶. فرزین‌وش، اسدالله؛ ندری، کامران (۱۳۸۱). ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی. تحقیقات اقتصادی.
۱۷. عربی، سید هادی؛ میثمی، حسین (۱۳۹۷). پول و بانکداری اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. علی‌نقی لنگری، محمدمامین (۱۳۹۴). الگوی مطلوب سود بانکی در نظام بانکداری اسلامی بر اساس آموزه‌های فقه امامیه. پایان‌نامه دکتری، رشته مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۱۹. عیسوی، محمود (۱۴۰۲ق). بررسی فقهی و اقتصادی پدیده خلق پول. فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، ۲۳(۹۰)، ۳۶-۵.

۲۰. فتانت، محمد (۱۳۷۶). ارزش زمانی پول از منظر مدیریت مالی و فقه جعفری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۵). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. موسویان؛ علیزاده اصل (۱۳۹۴). بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای اسلامی. مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۹).
۲۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۴. یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷). ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱). ربا و تورم. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Reference

The Holy Quran

1. Arabi, S. H., & Meysami, H. (2018). *Islamic banking and finance*. Qom: Research Institute of the Seminary and University.
2. Ali Naqi Langari, M. A. (2015). An optimal model of banking interest in the Islamic banking system based on the teachings of Imamiyah jurisprudence (Doctoral dissertation). Department of Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran.
3. Dalali Isfahani, R., Vaez Barzani, M., & Zareiyan, S. (2016). The impact of temporal preference on economic growth. *Quarterly Journal of Economic Research and Sustainable Development*, 16(3).
4. Fatanat, M. (1997). The time value of money from the perspective of financial management and Ja'fari jurisprudence (Master's thesis). Imam Sadiq University.
5. Farzinvas, A., & Naderi, K. (2002). Usury, contractual interest, and natural interest. *Economic Research*.
6. Helli, H. b. Y. (1414 AH). *Tadhkirat al-Fuqahā*. Qom: Al-Bayt Institute.
7. Helli, H. b. Y. (1415 AH). *Mukhtalif al-Shi'a*. Qom: Society of Seminary Teachers.
8. Hur Āmeli, M. b. H. (1409 AH). *Wasā'il al-Shi'a*. Qom: Al-Bayt Institute.
9. Isavi, M. (2023). A fiqhi and economic study of the phenomenon of money creation. *Quarterly Journal of Islamic Economics*, 23(90), 5-36.
10. Makarem Shirazi, N. (1986). *Tafsīr Nemūne*. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
11. Mousavian, A., & Alizadeh Asl, A. (2015). An analysis of the relationship between risk and *gharar* in Islamic markets. *Scientific Research Journal of Islamic Economics*, 15(59).
12. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Beirut: Dar Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
13. Rajai, K. (2006). *The nature of interest and its economic efficiency*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
14. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Muhadhdhab al-Ahkām*. Qom: Al-Manar Institute.

15. Shahid Thani, Z. al-D. ibn A. (2022). *Al-Rawdat al-Bahiyyah fi Sharh al-Lam'ah al-Dimashqiyyah*. Qom: Davari Publishing House.
16. Tabatabai Nejad, S. S. (1403 AH). The endowment of money from the perspective of *fariqatein*. *Teachings of Comparative Fiqh and Usūl*.
17. Tabatabai Yazdi, S. M. K. (1421 AH). *Hashiyat al-Makāsib*. Qom: Ismailian Institute.
18. Tusi, M. b. H. (2008). *Al-Mabsūt fi Fiqh al-Imāmiyyah*. Tehran: Al-Maktabah al-Murtazawiyah for the Revival of Ja'fari Heritage.
19. Tolami, M. T. (2023). *A fiqhi examination of the time value of money*. Qom: Institute for the Publication of Islamic Sciences.
20. Tolami, M. T., Nozari Fardousieh, M., & Khalilzadeh, M. R. (2023). A fiqhi and legal analysis of the time value of money theory and its functional scope. *Teachings of Civil Jurisprudence*, 15(28), 125-150.
21. Tolami, M. T., & Raghebi, M. A. (2023). An examination and critique of exchange value theories with an emphasis on the distinction between intrinsic value and actual value. *Fiqh and Usūl*, 55(1), 75-95.
22. Yousefi, A. A. (1998). *The nature of money and its jurisprudential and economic strategies*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
23. Yousefi, A. A. (2002). *Usury and inflation*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
24. Zahedi, V., & Payghami. (2009). Money and time in the theory of Islamic economic development. *Scientific Journal of Islamic Economics*, 2(1).
25. Zamani Farahani, M. (2012). *Money, currency, and banking*. Tehran: Termeh